

مقالات



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# تاریخ از نگاه استاد شهیدی

دکتر صادق آئینه‌وند

استاد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس

## چکیده<sup>۱</sup>

استاد شهیدی را به دلیل درک والا از روابط علی و معلولی تاریخی و درک بینامتنی و فرا متنی، در ردیف مورخان صاحب سبک و مکتب قرار می‌دهند. در نقد و تحلیل تاریخ دغدغه‌های سیاسی و کلامی بسیار دخیلند. به زعم استاد، مورخ باید در شناخت عصر و مقتضیات زمان بسیار هشیار باشد تا سره از ناسره باز شناسد و در استنباط و استنتاج تاریخی توان کافی داشته باشد.

تاریخ‌نگاری در سیر خود شاهد سبک‌های گوناگون بوده است که از این بین می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: سبک طه حسین، عباس محمود العقاد، یوسف العشر، عبدالله العلامی، محمد عابد الجابری، محمد عبدالله عنان، عمر فروخ، عمادالدین خلیل، که هر یک بر مبنای طرح و الگویی به تاریخ‌نگاری پرداختند.

روش استاد شهیدی در نقل تاریخ بر این امر استوار است که منازعات قبیله‌ای عرب همگام با گسترش اسلام، و چالش عملکرد اقوام مختلف سرزمین‌های مفتوحه با حکام اموی و عباسی، در نابسامانی تاریخ نقش داشته و از سویی دیگر تأخیر در تدوین اسناد تاریخی، موجب از بین رفتن و تحریف بخش زیادی از تاریخ گردیده است. بدعت‌های امویان نیز بسیاری از نسل‌های جدید عرب و نومسلمانان غیر عرب را که از تعالیم اسلام دور مانده و گرایش به دنیا داشتند، خوش می‌آمد؛ و اینها همه کار تاریخ‌نگاری را سخت می‌کند. به دلایل مذکور نمی‌توان بر هر نقلی در متون تاریخی اعتماد کرد؛ بلکه باید با دقت در سنت و تفحص در متن روایت و شناخت اقتضا و مناسبات زمان، به یقینی بودن روایت رسید. استاد شهیدی تاریخ را به دلیل همگانی بودن آن به شمشیری دولبه تشبیه می‌کرد و نقش مورخ را در نقل و تحلیل تاریخ بسیار حساس می‌پنداشت. بنابراین، تاریخ‌نگاری جای ساده‌نگاری نیست و مورخ رسالتی عظیم بر دوش می‌کشد و باید تمام عوامل و اسباب را به شیوه‌ای محققانه بررسی کند و در اقتضای عصر و نسل نیکو بیندیشد.

## کلید واژه‌ها:

تاریخ، تاریخ اسلام، درایة التاریخ، سبک‌های تاریخ‌نگاری، سبک استاد شهیدی.

۱. چکیده توسط فصلنامه نهج البلاغه تهیه گردیده است.

استاد گران قدر، علامه دکر سیدجعفر شهیدی، از مورخان برجسته عصر ما در تاریخ اسلام و تشیع به شمار می آیند. دانش گسترده اسلامی و تسلط بر متون معتبر تاریخی و ادبی، به خصوص پس از چهل سال مسئولیت لغوی در بزرگ ترین مؤسسه لغت نویسی و فرهنگ نگاری ایران، مهارت فوق العاده ای در فهم و شناخت متون تاریخی نصیب استاد کرده، و می توان گفت او را بی بدیل گردانده و از اقران برکشیده بود. عمده تر از این سلطه متنی، درک والای استاد از روابط علی پدیده ها و حوادث تاریخی بود که بر اثر سنجش و ممارست به دست آورده بود. از این حیث می توان اذعان داشت که استاد صاحب سبک و شیوه ای در درک بینامتنی و فهم فرامتنی از تاریخ است که تا حد یک صاحب مکتب او را بر می کشد و در ردیف مورخان صاحب سبک و مکتب بالا می برد. نگارش کتاب *جنايات تاریخ* در عهد جوانی و کتاب *پس از پنجاه سال*، درباره قیام امام حسین (ع) و کتاب متأخر و ارزش مند دیگری از ایشان با نام *علی (ع) از زبان علی (ع)*، *فاطمه علیهما السلام*، *زندگانی علی بن الحسین (ع)*، *زندگانی جعفر بن محمد امام صادق (ع)* و *تاریخ تحلیلی اسلام*، همه نشان از ابلاغ، اتقان، استحکام و نگاه تازه به تاریخ دارد و صاحب این آثار را به عنوان مورخی هوش مند، مستقل و حقیقت جو به اهل علم معرفی می کند.

استاد شهیدی در تحلیل تاریخ اسلام بر این باورند که تاریخ به جهت ارتباطی که با سیاست دارد، با منافع ارباب قدرت تصادم پیدا می کند؛ در نتیجه، کمتر اثر تاریخی را می توان یافت که خالی از دغدغه های سیاسی و یا کلامی مورخ به رشته تحریر در آمده باشد. او از این حیث بر این امر پا می فشرد که باید در شناخت اوضاع عصر و مقتضیات و مناسبات آن بغایت هشیار بود. از نگاه ایشان، تاریخ هایی که به دست ما رسیده، حاصل عصر تدوین، یعنی نیمه دوم قرن دوم هجری است، و درست در عصر حاکمیت عباسیان نوشته شده که خود بر خرابه های اموی تکیه زده و با آل علی (ع) در افتاده اند. کدام مورخ را می توان یافت که بتواند بی ملاحظه ایان تاریخ بنویسد و حقایق را آن گونه که می بیند، ثبت کند. وقتی سیره نویسی چون *ابن اسحاق* که غالب مورخان در نگارش تاریخ، عیال او به شمار می آیند، در کشاکش حوادث عمر بر سه قرائت سیره می نویسند و سرانجام همه آن سه قرائت به دست ابن هشام مثله می گردد (مطلبی ۱۹۷۸: ۵-۲۰)، وضع دیگران به خوبی روشن است. زهری که خود از برجستگان فقه، حدیث و تاریخ است، می گوید:

«إِنَّ الْحَدِيثَ لَيُخْرَجُ مِنْ عُنْدِنَا شُبْرًا، فَيَرْجَعُ مِنْ عِنْدَهُمْ [العراقیون] ذِراعًا».

«حدیث و روایت از پیش ما به اندازه وجب صادر می گردد و چون به عراق می رسد، یک ذراع می شود».

باز از اوست:

«ما هذه الأحاديث التي يأتوننا بها، ليست لها حُطْمٌ ولا أَرْمَةٌ [یعنی الاسناد]».

«این احادیث چیست که بر ما می خوانید؟ نه دهنه دارد و نه افسار [یعنی اسناد ندارد]».

هر مورخی در حین نگارش تاریخ با سه سؤال مواجه می شود:

چه اتفاقی افتاده است؟  
چگونه اتفاق افتاده است؟  
چرا اتفاق افتاده است؟

سؤال اول و دوم، پیش همه مورخان یکسان است؛ ولی سؤال سوم به سبب وجود فرهنگ، عقیده، ایدئولوژی و جهان‌بینی مورخ تفاوت می‌کند (اسمعیل ۲۰۰۴: ۷۰). مشکل نگارش تاریخ از اینجا شروع می‌شود. چگونه می‌توان به تحلیل و تعلیل تاریخ دست زد و در عین حال به مثابه مورخی امین از آزمایش سربلند بیرون آمد؟  
گفته‌اند: مورخ باید صاحب ذکای خارق‌العاده، استعداد وافر و دانش بسیار باشد تا در تحلیل مسأله نلغزد و به بیراهه نخزد.

برای استنباط و استنتاج تاریخی، توان کافی لازم است؛ زیرا امر «مقابلات»، «مطابقات»، «مفارقات» و «مقارنات» پیش می‌آید (علی ۱۹۸۳: ۹).

گذشته از نقد درونی و بیرونی متن و چهره‌شناسی راویان در بررسی تاریخ، گاهی باید بر اساس «اوسط أمثل» به گزینش روایات پردازیم. منظور از اوسط [قول میانه] آن است که ترجیح بر اساس مقابله روایات و موازنه بین آنها باشد. آنگاه به حوادث زمان و عادت و اقتضای عمل عصر مورد بحث، اتکا و اعتنا می‌کنیم. اخبار تاریخی وقتی مساوی باشند، به آنهایی عمل می‌کنیم که شبیه به عادت عصر و نسل باشند. به بیان دیگر، ملاک انتخاب را «معقول مألوف»، یعنی «اوسط أمثل» قرار می‌دهیم (العقاد ۱۹۹۳: ۲۰-۲۱).

دکتر صادقی آینه‌بند

اگر در این گفته جورج. ر. سیلی G.R. Seely، مورخ معروف بریتانیایی، توجه کنیم، میزان نگرانی ما در انتقال تاریخ صحیح بیشتر می‌شود. او می‌گوید: «تاریخ، سیاست گذشته و سیاست، تاریخ حاضر است.» [ذنون طه ۲۰۰۴: ۲۱]

مأموریت مورخ خطیر است، ولی از دست‌یابی به تاریخ صحیح نباید مأیوس بود. مهم آن است که دریابیم با چه امر حساسی مواجهیم. اگر مورخ همین رسالت حساس را دریابد، نیمی از راه رفته و بقیه را هم به مدد اصول و موازین مصطلح التاریخ، فقه التاریخ و علم التاریخ می‌تواند بییابد.  
پیش از آن‌که به بیان سبک و روش استاد شهیدی پردازیم، به معرفی شیوه‌ها و گرایش‌های مورخان معاصر که به تاریخ اسلام پرداخته و در جهان اسلام شهره‌اند، می‌پردازیم:

### گرایش‌های تفسیر تاریخ اسلام در میان مورخان معاصر:

گرایش طه حسین: این گرایش بر اساس زبان‌شناسی و رقابت‌های قبایل در تاریخ اسلام به تفسیر تاریخ می‌پردازد [حسین ۱۹۲۶].

گرایش عباس محمود العقاد: این گرایش محور کار خود را به روان‌شناسی چهره‌های تاریخی و عملکردی که آنها در نقش‌دهی یا هدایت حوادث داشته‌اند، قرار داده و در سنجش هر یک از این چهره‌های اثرگذار تاریخی در بحبوحه حوادث، به قضاوت تاریخی پرداخته است (العقاد بی‌تا؛ العقاد ۲۰۰۴؛ العقاد ۱۹۹۲).

گرایش یوسف العثی: این شیوه در بررسی و تحلیل تاریخ اسلام توجه خود را به تطوّر و مقتضیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معطوف داشته و تاریخ را از این زاویه تحلیل کرده است (العثی ۱۹۸۲).

گرایش عبدالله العلامی: شیوه تاریخ‌نگاری علامی بر بنیاد پیدایش رخنه‌های رسوم و فرهنگ جاهلی در اسلام و جان گرفتن دوباره قبیله بر سبک جاهلی استوار است. او از این منظر به تفسیر توفیق و ناکامی‌ها پرداخته است. از نگاه او میزان اثرپذیری اصحاب و تابعان از این بازگشت ارتجاعی و یا مقاومتشان در برابر این پدیده، جهت‌نمای سیر تاریخ اسلام است (العلامی ۱۹۹۴).

گرایش محمد عابد الجابری: وی شیوه تحلیل تاریخی خود را بر بنیاد تحول ایدئولوژی در سیر حاکمیت‌ها و شأن مناسباتشان در مواجهه با دین، ثروت و سیاست استوار کرده است. از نگاه او، عقیده قبیله و غنیمت به میزان کارایی‌شان در هر حاکمیت در تاریخ اسلام و نسبت توجهی که به آنها می‌شود، تفسیری درست از نگاه حاکمیت به دین، زور و قدرت را به دست می‌دهد (الجابری ۲۰۰۰).

گرایش محمد عبدالله عنان، عمر فروخ و محمد فتحی عثمان: این گرایش از تاریخ‌نگاری بر محور انقلاب و تمدن به تفسیر می‌پردازد و با دو شاخصه تمدن و انقلاب، طرفداران هر یک از آن دو پدیده را در ترازی سنجش نهاده و وزن‌سنجی می‌کند. در نهایت، این گرایش به سبب اینکه مخالف انقلاب است و گرایش اموی دارد، تمدن‌آفرینی را از آن امویان و انقلاب را از آن علویان می‌شناسد و معلوم است که از پیش چه نتیجه‌ای می‌گیرد (عثمان ۱۹۹۸؛ فروخ ۱۹۸۰).

گرایش عمادالدین خلیل: از نگاه این گرایش برای اجتناب از تنش سیاسی و چالش‌های کلامی و فرقه‌ای، باید محورهای عمده و مورد قبول امت اسلام، ستون فقرات تحلیل تاریخی قرار گیرد. از این‌رو، این گرایش بر آن است تا براساس نظریه‌ای شامل و جامع، وحدت حرکت تاریخ اسلام و کشف رابطه اصلی بین دین اسلام و وقایع تاریخ اسلام، بتواند پدیده‌های بزرگ تاریخ اسلام را به طور عمودی تفسیر کند. این وقایع از نگاه این گرایش، حکومت، گسترش اسلام، مخالفان اسلام، جامعه اسلامی و دستاوردهای تمدنی است که در تفسیر و تحلیل مورد عنایت خواهند بود (الخلیل ۱۹۹۰).

گرایش‌های تاریخ‌نگاری فوق که اختصاراً به آنها اشاره شد، از گرایش‌های شهره جهان اسلام هستند.

بی‌شک گرایش تاریخ‌نگاری استاد شهیدی می‌تواند در شمار این گرایش‌ها در پهنه جهان اسلام مطرح باشد.

### گرایش تاریخ‌نگاری استاد شهیدی:

در گرایش تاریخ‌نگاری استاد شهیدی، نزاع‌های قبیله‌ای عرب متعاقب گسترش اسلام و چالش اقوام دیگر سرزمین‌های مفتوحه، که توسط حاکمیت امویان و پس از آن عباسیان برای بهره‌گیری و استحکام قدرت دامن زده می‌شد، یکسره در کار نابسامانی و تشویش تاریخ نقش داشته است. از نگاه ایشان:

«قدیم‌ترین سند کتبی با زمان حادثه در حدود دو قرن فاصله دارد؛ اما چاره‌ای جز استناد به همین مدارک نیست» (شهیدی ۱۳۷۴: ۵).

این تأخیر در تدوین، بخش عظیمی از تاریخ را در حافظه عرب از میان برد و یا به طور ناهمگون و با شاخ و برگ، تحویل نسلی از مورخان داد که از نیمه دوم قرن دوم هجری دست به تألیف و

تصنیف زدند.

بدعت‌ها و ناسازگاری‌هایی که امویان پس از دست یافتن به قدرت پدید آوردند، گرچه بیشتر مسلمانان معتقد را که با رهبری امیرالمؤمنین علی (ع) انس گرفته بودند، ناخشنود کرد، بر مزاج نسل جدیدی از عرب و غیرعرب نو مسلمان که به تدریج از اسلام و هدایت‌های آن دور افتاده و به دنیا خو گرفته بودند، سازگار افتاد. از نگاه استاد:

«معاویه و پدرش ابوسفیان، مردانی جاه‌دوست و شیفته حشمت و جلال بودند... ابوسفیان هنگامی که مسلمان شد، به پایمردی عباس بن عبدالمطلب، عموی پیغمبر، برای خود امتیازی گرفت. از غنیمت‌های جنگ حنین نیز بهره‌ای یافت. اما دیده‌ او در پی حکومت بوده» (شهبیدی ۱۳۸۳: ۱۷۹).

از نگاه استاد، نمی‌توان به هر گفته‌ای که مورخان در متون تاریخی نقل کرده‌اند، اعتماد کرد؛ بلکه باید با دقت در سنت و تفحص در متن روایت و شناخت اقتضا و مناسبات عصر، به یقینی بودن صدور آن پی برد.

به یاد دارم یک روز شعری از شاعری مشهور را خدمتشان قرائت کردم که موضوعی اعتقادی و فرهنگی را بیان می‌کرد. استاد فرمودند: پیش از آن که به فحوا و پیام این شعر پردازیم، باید دو مسأله را پیش‌تر قطعی کنیم: نخست، این که آیا این شاعر خود به آنچه می‌گفته، باور داشته، یا برای بهره‌گیری و همسویی با جریانی آن را سروده است؟ دوم، این که آنچه او گفته، همین است که اکنون در دست ماست، یا بر آن شاخ و برگ افزوده‌اند.

این همان «درایه‌التاریخ» است که باید گفت مورخان ناقد و هوش‌مند که در درک و فهم آن به استواری رسیده‌اند، به آن می‌پردازند.

جواد علی، مورخ برجسته جهان اسلام، نوشته است:

«بر هر مورخ بصیر و ناقد است که به موازات بررسی مسائل سیاسی و نظامی، به مسائل شهرها، تطورات فکری، اقتصادی، زندگی اجتماعی، دینی و فرهنگی و تأثیر شخصیت‌های معروف هر عصر نیز پردازد» (جواد : ۹۱).

استاد شهیدی بر این باور است که اختلاف‌های دیرپا و دراز دامن قحطانیان و عدنانیان، یا جنوبیان و شمالیان، گرچه با ظهور اسلام فروخوابید، ولی با آمدن امویان و رخنه دوباره عرب جاهلی، بار دیگر جان گرفت. این اختلاف‌ها حتی در صفین و جمل رخ نمود و از زبان کسانی که به‌ظاهر خود را از پیروان امیرالمؤمنین (ع) محسوب می‌داشتند و در زیر پرچم آن حضرت با سپاه شام می‌جنگیدند، بیان شد.

استاد بر این باور است که درباره همدلی همراهان معاویه و یزید شکی نیست؛ ولی می‌توان در صداقت بعضی از کسانی که خود را از همراهان اهل بیت - علیهم‌السلام - به‌شمار می‌آوردند، تردید داشت؛ زیرا اینجا کار دین است و آنجا کار دنیا، و امام حسین (ع) این موضوع را آشکارا در مسیر ورود به کربلا فرموده بود:

«النَّاسُ عِبْدُ الدِّينِ وَالَّذِينَ لَعِقَ عَلِيُّ السِّنْتَهُمْ وَإِذَا مَحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ دِيَانُونَ» (نجفی

۱۳۷۰: ۱۵۵)

آنچه باعث شد تا جامعه اسلامی به این سمت رانده شود و مردانش با همدیگر دل صافی نکنند و به دنیا بیش از آخرت رغبت پیدا کنند، فشار و ستم حاکمان اموی بر مردم و دور کردن صالحان و نیکان روزگار از نصیحت بود. نوشته‌اند که:

«در دورهٔ عبدالملک، خطیبان رخصت گفتن جملهٔ «إتقی الله» [از خدا بپرهیز] را که معمولاً خطیبان در خطبهٔ جمعه می‌گفتند، نداشتند، و عبدالملک در این باره تا آنجا پیش رفت که گفت: به خدا سوگند، اگر کسی مرا به تقوی امر کند، گردنش را می‌زنم» (شهبیدی ۱۳۸۳: ۲۶۳).

در گرایش تاریخ‌نگاری استاد، تاریخ به مثابهٔ شمشیری دو لبه است که اگر نادانسته و از سر ناخبرگی با آن برخورد شود و ساده‌لوحانه به ناقلان و نویسندگان آن اعتماد کنیم، ابتداء بر خبط کرده و ریشه زده‌ایم. اینجا جای ساده‌انگاری نیست. علم تاریخ سر و کارش با عارف و عامی است و همهٔ طبقات جامعه با آن مانوس‌اند و بدان مشتهی. مورخ از این حیث رسالتی عظیم بر دوش دارد و در لبهٔ پرتگاه است.

از نگاه استاد، بهتر آن است که مورخ تمام عوامل و اسباب را به شیوه‌ای محققانه بررسی کند و به اقتضاهای عصر و خواست‌های نسل و شرایط زمانه نیکو نظر کند، شاید بتواند تاریخی صحیح بنویسد و نسل آینده را از آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، آگاه کند.

در حقیقت، آن کس که برای نجات تاریخ از میان اقوال و روایات می‌کوشد و سره را از ناسره جدا می‌کند و بنیان رفیع تاریخ را برمی‌آورد، کسی است که از میان ناقلان و راویان برمی‌آید و بالا می‌رود و مورخ می‌گردد. مورخ تاریخ را می‌نویسد و تاریخ مورخ را می‌سازد.



## منابع:

- اسماعيل، محمود. ٢٠٠٤ م. *إشكالية المنهج في دراسة التراث، القاهرة: رؤية للنشر و التوزيع.*
- الجابري، محمد عابد. ٢٠٠٠ م. *نقد العقل العربي، العقل السياسي العربي.* بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
- العقاد، عباس محمود. بي. تا. *معاوية بن أبي سفيان.* دارالرشاد الحديثة.
- \_\_\_\_\_. ٤٠٠٢ م. *أبو الشهداء، الحسين بن علي.* تحقيق: محمد جاسم الساعدي. طهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_. ١٩٩٣ م. *فاطمة الزهراء والفاطميون.* القاهرة: نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع.
- العش، يوسف. ١٩٩٤ م. *النحلة الأموية.* دمشق: دارالفكر.
- \_\_\_\_\_. ١٩٨٢ م. *تاريخ عصر الخلافة العباسية.* دمشق: دارالفكر.
- إطار عام، عماد الدين خليل. ١٩٩٠ م. *تحليل للتاريخ الإسلامي.* الدوحة: دار الثقافة.
- ذنون طه، عبدالواحد. ٢٠٠٤ م. *أصول البحث التاريخي.* بيروت: دارالمدار الإسلامي.
- حسين، طه. ١٩٢٤ م. *في الشعر الجاهلي.* القاهرة: مطبعة دار الكتب المصرية.
- \_\_\_\_\_. ١٩٨٠ م. *الفتنة الكبرى، علي و بنوه.* القاهرة: دارالمعارف.
- شهیدی، سیدجعفر. ١٣٧٤ م. *پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین (ع).* تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_. ١٣٨٣. *تاریخ تحلیلی اسلام.* تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی.
- علي، جواد. ١٩٨٣ م. *تاريخ العرب في الإسلام.* بيروت: دارالحدائق.
- \_\_\_\_\_. بي. تا. *دراسة في السيرة.*
- فتحی عثمان، محمد. ١٩٩٨ م. *المدخل إلى التاريخ الإسلامي.* بيروت: دارالنفائس.
- فروخ، عمر. ١٩٨٠ م. *تجدید التاريخ في تعليقه و تدوينه.* بيروت: دارالباحث.
- بي. تا. ١٩٩٤ م. *مقدمات لا محيد عن درسها جيداً لفهم التاريخ العربي.* بيروت: دارالجديد.
- مطلبي، محمد بن اسحاق. ١٩٧٨ م. *السير و المغازي.* تحقيق: الدكتور سهيل زكاد. بيروت: دارالفكر.
- نجفي، محمد صادق. ١٣٧٠. *سخنان حسين بن علي (ع) از مدينه تا كربلا.* قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.